

## کتاب آکاردئونی یا نسخه مرقع !

با توجه به اینکه اصطلاحات کتاب شناسی که در حقیقت انتقال دهنده فرهنگ امروز به نسل فردا می باشد باید همیشه به طور صحیح و درست نوشته شود تا امانت دار خوبی باشیم و اجازه ورود لغات و اصطلاحات غیر معمول را ندهیم، لذا ضمن تشکر از مترجم محترم مقاله «داستان پیدایش نسخه و نسخه شناسی» نوشته فرانسوا دروش، آقای روح بخشان که در دفتر سوم «نامه بهارستان» (ص ۵۷ - ۶۶) به چاپ رسیده است، لازم به ذکر است که با علم به اینکه مترجم محترم امانت داری نموده است، در مورد «کتاب آکاردئونی» (ص ۷۹) توضیحات مبثت کاملاً درست است، ولی در فرهنگ فارسی به ویژه در تذکره های قدیمی، در این مورد از واژه «مرقع» استفاده شده است که به مفهوم تکه تکه های مختلف است؛ یعنی مجموعه ای از قطعات شامل خطوط خوشنویسان و نقاشی های متنوع استادان مختلف که آنها را با دقت تمام در کنار یکدیگر می چسبانیدند و فضای خالی را با تذهیب و کاغذهای الوان و ابر و باد پر می کردند و سپس با جدول های مرصع مناسب و زنجیره های زیبا به شکل یک دست در می آوردند و تعدادی از آنها را به وسیله پارچه آهاردار از دو طرف به گونه ای به یکدیگر متصل می کردند که در کنار یکدیگر قابل رویت باشند و این مجموعه را «مرقع» می نامیدند، مانند «مرقع گلشن» و یا «مرقع گلستان» و دیگر مرقعات نامی که هر کدام زینت بخش کتابخانه ها و موزه های مختلف می باشند. این مرقعات هر کدام با مقدمه ای ویژه و بسیار عالی و مذهب تهیه می شد و در حجمی کوچک، آثار بسیار متنوع استادان مختلف که هر یک خود در حکم موزه ای می باشد در کنار یکدیگر قرار می گرفت. مرقعات اکثراً برای خزانه پادشاهان زمان و به نام خود آنها ساخته می شد و گاهی نیز سلطان وقت، مرقعی را سفارش می داد که از تمامی استادان چیره دست زمان یک یا چند اثر نفیس دربرداشته باشد.

کمترین بندگان

مهدی عتیقی

۱۵ بهمن ۱۳۸۰